

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر

۳ صفحه - ابرهای سیاه بر فراز خلیج فارس
۴ صفحه - استراتژی کنونی چند ملیتی ها (قسمت دوم)
۴ صفحه - اوژن بوتیه از لندن
آگهی شعری از شاعر انقلابی فرانسه پل الوار
۳ صفحه -

انتخاب راه

دیگر مسلم است که جنگ آنچه را که رژیم بعث عراق و همه دشمنان ریز و درشت انقلاب خلقی و خدا مهربان استی ایران انتظار داشتند برای شان به بار نیاید. هدف دشمن غافلگیر و پیشروی سریع در قسمت هایی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران بود که به گمان باطل او می-بایست آسیب پذیر تر باشد. یعنی خوزستان و کردستان و نوار مرزی که این دو استان را به هم وصل می کند. در واقع نقشه این تعرض از پیش ریخته شده بود. درست در این دو استان بود که رژیم بعث، دست در دست امپریالیسم آمریکا، تقریباً از همان فردای پیروزی انقلاب به تحریک و توطئه پرداخت و با تکیه بر عوامل رنگارنگ ضد انقلابی کوشید تا به رقابت های محلی برسند و همچنین به اختلافات عقیدتی و قومی و طبقاتی تداوم بزنند. کار را به رویا رویی مسلحانه با انقلاب بکشاند. هدف اصلی همانا سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران و از بین بردن دستاوردهای انقلاب با مسخ آن در جهت دلخواه امپریالیسم بود، چنان که تحت و زنگامی عراق به ایران و جنگ کنونی هم، به عنوان حلقه ای از سلسله توطئه های امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران در نهایت همین هدف را دنبال می کند.

در این جنگ، دشمن آنچه را از وسایخه بود به ظهور رساند و به کار گرفت: زمینه -

سازی تبلیغاتی و استفاده از شبکه های جاسوسی و خرابکاری، ارتشی آماده و مجهز به سلاحهای پیشرفته، بهانه جویی و کشاندن تما عدی درگیری های موضعی به تعرضی گسترده، پیشدستی در وارد کردن ضربات بر مراکز حساس دفاعی و صنعتی و اقتصادی ما، کوبیدن شهرها و نقاط مسکونی با بمب و خمپاره و موشک و کشتار مردم غیر نظامی. اما این همه ملت رها گشته، ما را گه می اندازد برای چه دست به انقلاب زده و از انقلاب چه به دست آورده است مرعوب نکرد. با یاری نیروهای مسلح ایران - نیروی هوایی و دریایی، سپاه پاسداران، ژاندارمری، نیروی زمینی - و بویژه شوراها و انبوه جوانانی که برای دفاع از میهن و انقلاب از سراسر ایران به مناطق جنگی روی آوردند و نمونه ای از آنچه ملت مسلح بدان قادر است نشان دادند. رویاهای خوش دشمن را به واقعیتی دردناک مبدل ساخت. اکنون جنگ به درازا می کشد و ماشین جنگی صدام حسین به گل می نشیند. شکستی ننگین در انتظار رژیم بعث است و دیروزودی این امر محتوم بسته به کارآیی فرماندهی عالی در رهبری جنگ و بهره گیری درست از نیروی بی پایان مادی و معنوی است که ملت انقلابی ایران در اختیار آن می گذارد.

صفحه ۶

توطئه متوقف کردن کار هیات های هفت نفری در واگذاری

زمین عقیم ماند

تولید محصولات و ابحا دهرج و مرج شماره ای دیگرند. به اطلاع ملت مسلمان ایران و خصوصاً کشاورزان می رسد که پیرو مذاکراتی که آقایان دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، رجا شیخست وزیر، سلامتی وزیر کشاورزی با امام امت داشته اند، ایشان رسیدگی به امرواگذاری زمین را محدوداً به عهده آبیات عظام منتظری، مشکینی و بهشتی محول نموده اند.

این برادران به نمایندگی از امام امت، ضمن تأیید محدود قانون مصوبه شورای انقلاب با تأکید بر دقت عمل مجریان امر خواستار ادامه کار ستاد مرکزی و هیات های هفت نفره و گروه های تحقیق شدند.

این اطلاعیه پاسخی قاطع و دندان شکن به تلاش های مذبوحانه ای است که دشمنان سوگند خورده، انقلاب بر علیه آن تدارک می بینند.

در هفته گذشته ستاد مرکزی واگذاری زمین طی اطلاعیه ای که در جراید انتشار یافت اعلام کرد: "در حالی که کشور در شرایط حساس قرار دارد، عده ای شایع کرده اند که کار هیات های هفت نفره متوقف شده است. ستاد مرکزی واگذاری زمین ضمن محکوم کردن این گونه اقدامات که جز لطمه به زمین عقیم ماند

پیام به نویسندگان، شاعران و هنرمندان عراق

بن بست کمپ دیوید

ده سال پس از مرگ اولین رئیس جمهور جمهوری مصر (که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰ برابر با ۸ مهر ۱۳۴۹ درگذشت) مقامات رسمی قاهره ترجیح دادند نام جمال عبدالناصر را به زبان نیاورند و در باره او، کتوت اختیار نکنند. امروز حتی اشخاص کم اطلاع می دانند که خط مشی کنونی رهبری قاهره با رهنمودهای انقلاب مصر آشکارا در تضاد است.

تبلیغات قاهره در این تلاش است که به مردم این کشور و جهانیان بجهانند که "سمت گیری جدید" رژیم سادات به برقراری صلح استوار در خاور میانه و پیشرفت مصر کمک می کند. همه می دانند که این تلاش ها به جایی نمی رسد. زیرا احاد ترین مسایل کشور و منطقه، عربی در مجموع نه تنها لاینحل مانده، بلکه دائم شدت می یابد. پدیده های بحران در اقتصاد مصر، شکاف وسیع بین داراوندان و افراد فزاینده، مصر در میان ملل عرب و بن بست در تنظیم امور خاور، یک از نتایج تلخی است که دو سال پس از امضای موافقت نامه ننگین کمپ دیوید نصیب قاهره شده است. ساخت و ساخت آشکارا نیروهای

استعمار و رنج و رنج، بیست کردن به آرمان خلق عرب، و در پیش گرفتن سیاست "درهنگ" باز "در برابری سرمایه" انحصارگر خراجی جانشین میارزه، منطقی بر ضد امپریالیسم تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی و پیشرفت اجتماعی شده است که جمال عبدالناصر آن را رهبری می نمود.

در سالهای اخیر در مصر کتابها و رسالات متعددی منتشر شده که به تحریف و لحن مال کردن سیاست داخلی و خارجی نامبرداخته اند. انور سادات در خاطراتش تحت عنوان "در جستجوی هویت نمونه ای از این نوشته هاست. او در این خاطرات به روشنی اعتراف می کند که از همان آغاز نظرش درباره، بسیاری مسائل مهم اجتماعی - سیاسی با برداشتهای ناصر اختلاف فاحش داشت. سادات در جای نخست رابطه با اتحاد شوروی نه با آمریکا را که سرچشمه اصلی قربانی های خلق مصر در مبارزه با اسرائیل است مورد سرزنش و انتقاد قرار می داد. رهبری کنونی مصر در اطلاع "خطای" ناصر ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد و با متحاورین اسرائیلی عمل پیوند و اتحاد برقرار کرد.

صفحه ۵

از سلسله قطعه نامه های پارلمان جهانی ملت ها برای صلح (صوفیه ۲۷-۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)

درباره وضعیت منطقه دریای سرخ و شاخ آفریقا

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح پس از بررسی اوضاع در منطقه دریای سرخ و بویژه در شاخ آفریقا، اضطراب و نگرانی جدی خود را در برابر توطئه ناهنجار و نا بخردانه ای که میان امپریالیسم نوکراتش در این منطقه سرهم بندی می شود اظهار می دارد.

همکارینا شایسته رژیم های ارتجاعی را در کشورهای ساحل دریای سرخ که در حقیقت برای دسایس ارتجاع عرب و امپریالیسم بر ضد منافع ملت های منطقه و صلح جهانی زمینه مساعدی فراهم می سازد محکوم می کند. موافقت دولت سومالی را با ایالات متحده آمریکا برای تاسیس پایگاه های دریایی در بندر های بربر و کئی سیمانوبه منظور استقرار سپاه و اگنش سریع که پیش از هر چیز می بایست به ایجاد عدم ثبات در رژیم های سرسرم دموکراتیک و اتیوپی سوسیا - لیست خدمت کند با قاطعیت افشا می نماید.

از آنجا که پایگاه های ایالات متحده آمریکا در سومالی مبارزه جویی و تهدید مستقیمی نسبت به استقلال ملی و حاکمیت این کشورها و صلح و امنیت جهانی است،

صفحه ۲

تسلیت

هیات تحریریه و کارکنان "اتحاد مردم" در گذشت تاسف بار پدر همکار عزیز خود آقای اسداله قهرمانی را به ایشان و خانواده محترم تهنیتی و خا نوا ده های وابسته صمیمانه تسلیت می گویند.

اتحاد مردم

سه رویداد بزرگ تاریخی: تبعید امام، سیزده آبان، اشغال جاسوس خانه آمریکا

سازمان آزادی بخش خلق فلسطین است. در دمشق - تقدنکه یگانگی سیاسی سوریه و لیبی که از جانب تریبولی پسند باد. می تواند برای استحکام این جنبه فوق العاده مفید باشد.

در باب پیخت سوریه، صلح واقعی، نه صلح ساخته و پیر - خته کمپ دیوید را که از جانب واشنگتن به اعراب تحمیل شده، یگانه شرط ضروری برای تحکیم قدرت ملی در تعمیق دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی می دانند.

صفحه ۳

سوریه در خط مقدم جبهه

بلندی های جولان که به سوریه تعلق دارند، از ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمده اند. واحدهای اسرائیلی که در آنجا مستقرند، همواره توپ های خود را سوی دمشق نشانه گرفته اند. در پایان ماه و ت یکبار دیگر بمب های هواپیما های سوریه و اسرائیل در آسمان لبنان نبرد گرفت. به همین علت سوریه به "کشور خط مقدم" تبدیل شده است. این کشور که تجربه زیادی از تجاوز اسرائیل دارد، دانشمندان و مادی و معنوی است. سوریه به عنوان یک کشور مترقی عرب خواهان تنظیم

عادلانه و پایدار مسائل خاور نزدیک است و مقدم بر همه در راه حل مسالمانه خلق رنج دیده فلسطین و استرداد دهه های اراضی مورد تجاوز اسرائیل و بخش شرقی اورشلیم مسبارزه می کند.

سوریه وحدت اعراب را یگانه وثیقه برای کامیابی مقاومت در برابر متجاوز و جاه طلبی های توسعه طلبانه اش میدان و در این راه از هیچ کوشش مادیانه فروگذار نکرده است. این کشور نیروی محرک جبهه پایداری اعراب متشخص، زالجر، لیبی، جمهوری دموکراتیک و توده ای یمن و

ما همه مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی را به شرکت فعال در

برگزاری مراسم سیزده آبان فرا می خوانیم.

سوریه در خط...

...دره تنگ سبز مرد با رادا که میان صخره های متراکم خاکستری تیره پیچ و تاب می خورد، پس از مسافت هایی به واحه سبز و خرم قوتنا در همان منتهی می گردد. این دره حاصلخیز منبع تغذیه پایتخت و دیگر شهرهاست. جلگه های بایر زیرکشت رفته اند. سد بزرگ فرات در شمال به آبیاری ده ها هزار زمین و تا میهن روشنائی صدها روستا کمک می کند. دهقانان روی زمینهای گسترده ای به کشت و زرع مشغولند که سابقا از ملاک فئودالها بودند. اطلاعات ادا می دارد. طبق آمار وزارت کار و امور اجتماعی در جمهوری عربی سوریه هنوز بیش از ۵۰۰۰۰۰ اشراف روستایی و دهقان دولت مند وجود دارد که به استثمار دهقانان مزدور مشغول اند. یازمین های خود را اجاره می دهند. از سوی دیگر ۱۱۰۰۰۰ دهقان بی نصیب از تقسیم زمین و کارگر کشاورزی وجود دارد. جنبش تعاونی گسترش می یابد رهبران به فروریختن وابستگی سنتی دهقانان به استثمار رگران روستایی کمک می کنند. اکنون تعاونی ها بیش از ربع تولیدکنندگان را در بر می گیرند و کمک های جنسی، بذور و سیمان بین اعضای خود تقسیم می کنند.

امیدهای زیادی به بخش عمومی کشاورزی وجود دارد. دهقانان با ۶ درصد جمعیت فعال کشور مهم ترین طبقه اجتماعی سوریه محسوب می شوند. آنها نزدیک به یک چهارم تولید ناخالص ملی و تقریباً دو پنجم صادرات را در دست دارند. چهارمین کنگره حزب بعث سوریه لیستی عرب که حزب حاکم سوریه است در ۱۹۶۸ تحکیم و توسعه بخش عمومی را بخش تعیین کننده در اقتصاد کشور اعلام نمود. سرمایه ثابت این بخش از ۱۷۰ میلیون لیره سوری در ۱۹۶۳ به ۵/۵ میلیارد در ۱۹۷۶ رسیده است. دولت در صنایع معدن و تولید برق و در دو سوم تولید صنعتی و ۷۰٪ تجارت خارجی فرمانروایی دارد.

با وجود مقاومت قشرهای بورژوازی در سیاست دولت، بخش عمومی پیوسته پیشرفت نمود و اکنون در جهت تبدیل شدن به پایه اقتصاد ملی وضع مساعدی دارد. در این زمینه همکاری با جامعه سوسیالیستی، مخصوصاً اتحاد شوروی مانند قلمرو های دیگر برزبر روسود مند بوده است. تاسیس مجتمع برق آبی فرات، برقی کردن ساختمان راه های آهن، استخراج نفت و سامان دادن بخش های دیگر اقتصاد ثمره این نوع همکاری های متقابل سود مند است. سال گذشته، فاینانشل تایمز لندن مجبور به این اعتراف شد: "اتحاد شوروی ثابت کرده دوست کاملاً مطمئن سوریه است".

... در دمشق یکی از تاسیس رانسان گفت: "اگر مصریها تنها یک رهبر به نام ناصرا داشتند، ما اکنون بیش از ۱۵۰ رهبر داریم که ما نندنا صرف فکر می کنند".

در حقیقت، پیش از ۱۹۷۰ سوریه به "کشور کودتا های دولتی" شهرت داشت. از زمان استقلال (۱۹۴۳) حداقل ۱۰ کودتا در این کشور روی داد.

پس از به قدرت رسیدن جناح حزب بعث سوسیالیستی عرب در ۱۹۶۶ و مخصوصاً پس از "جنبش تصحیح" در نوامبر ۱۹۷۰ به رهبری رئیس جمهور حافظ اسد، سوریه تا ۱۹۷۹ در ثبات سیاسی زندگی کرده است.

بدیهی است خط مشی استوار رضا میر-یالیستی رهبران سوریه و مخالفت فعال آنان با بندوبست کمپ دیوید خوشایند واشنگتن و متحدین خاور نزدیک و یقانه و تلال و یونیست.

حوادث تابستان ۱۹۷۹ نشان داد که در سوریه خائنین مزدوری پیدا می شوند که به تشویق و کمک مالی آمریکا حاضر به برادرکنی و قتل عام مردم اند. چنانکه شاگردان مدرسه، افسران توپخانه، طلب در شمال که ابتدا با آژیر خطر ساختگی در سالن گردآمده بودند، توسط سه مرد از جمعیت مخفی فراطی "اخوان المسلمین" به مسلسل بسته شدند. سپس بر خوردهای

مذهبی در لافا کیه رویداد و عملیات تروریستی در چند شهر صورت گرفت.

رئیس جمهور حافظ اسد و اطرافیان وی زود کشف کردند که "اخوان المسلمین" به رهبری سازمان سیای آمریکا و موساد اسرائیل دست به آشوب های اخیر زده است. در سپتامبر ۱۹۷۹، هفته نامه "بیروتی الکفایه العربی" اظهارات ح. شیخا و مفسر با نفوذ تل اوپو را درباره "ضرورت وادار کردن" سوریه به شرکت در مذاکرات مصر-اسرائیل درج نمود. به عقیده او برای دست یافتن به این هدف باید تحریکاتی بوجود آورد که دمشق ناچار شود به مذاکره تن در دهد. تهدید متناوب سوریه و ایجاد یک موقعیت طبیعی برای هدایت سوری ها به تغییر استراتژی به این هدف کمک می کند. الشرع چاپ بیروت گفتگوهایی از برژینسکی مشاور امنیت رئیس جمهور آمریکا را در رابطه با حوادث سوریه چنین یادآوری می کند: "مسائل اختلاف مذهبی اعراب را متقاعد خواهد کرد که خطرات دیگر داخلی و خارجی وجود دارد که تنظیم آنها مهم تر از مبارزه با اسرائیل است. اغتشاشات مذهبی در خاور نزدیک موجب می شود که میل و اراده به جستجوی راه های تنظیم کلی منازعه بین اسرائیل و اعراب در همه کشورهای منطقه بوجود آید". آیا "سبک" سرویس های پنهانی آمریکا و اسرائیل بسیار نمونه و آرنیست؟

جبهه ملی پیشرو سوریه متشکل از حزب بعث سوسیالیست عرب و سایر تشکیلات و سازمان ها از جمله حزب کمونیست سوریه در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ درباره حوادث نمود اشاره اعلامیه ای منتشر نمود. این سند درباره فروخشا نیدن زمینه های اجتماعی "اخوان المسلمین" که آنها بر اساس آن دست به تبلیغات ضد دولتی می زنند، چاره اندیشی کرد. اعلامیه برای تثبیت اوضاع داخلی برنامه عملی زیر را پیشنهاد کرد: اقدام علیه بورژوازی انگل، بوروکراسی و فساد در دستگاه دولتی، اعتلای روزافزون نقش شورای خلق (مجلس)، جبهه ملی پیشرو، سندیکاها و سازمان های اجتماعی.

در بها رگدشته کوشش های "اخوان المسلمین" در گسترش فعالیت ها یجنا بیت - کارانه عقیم مانده. حافظ اسد در نطق ۸ مارس خود در رادیو - تلویزیون اظهار داشت که هدف ارتجاع و افراتیون مذهبی به تنها مقامات دولتی، بلکه دستاوردهای اجتماعی زحمتکشان است. از این پس تصمیم گرفته شد برای مبارزه با تروریسم گردان هایی از کارگران و جوانان انقلابی بوجود آید. در بسیاری از شهرها کمیته های دفاع از میهن متشکل از اعضای حزب حاکم، کمونیست ها و سایر عناصر مترقی تشکیل شده است. در نیمه نخست ژوئیه، شورای خلق درباره منع فعالیت و مجازات دا رودسته "اخوان المسلمین" قانونی رایه تصویب رساند. همزمان اعلام شد که اعضای این دا رودسته مدت یک ماه مهلت دارند خود را معرفی کنند و از غفوع عمومی برخوردار شوند. این مهلت بار دیگر تمدید شد. روزنامه "شهرین گزارش داد که بیش از هزار تن از اعضای این "جمعیت" ابراز ندامت کردند. هشتمین کنگره حزب بعث سوسیالیست عرب در تصمیمات خود ضرورت اقدام جدی بر ضد بقایای باندهای "اخوان المسلمین" که گرفته شده است. رویارویی جدیدی با عوامل امپریالیسم موجب گردید که پیوند های همپارانه سوریه با کشورهای بی همیشه با و روی در لحظات دشوار بوده اند، تنگ تر گردد. حافظ اسد در برابر اجتماع جوانان در زمین ورزش دمشق اعلام داشت: "ما تصمیم گرفته ایم روابط دوستانه خود را با اتحاد شوروی به سطح عالی تری رسانیم". هشتمین کنگره حزب بعث سوسیالیستی عرب این راه را انتخاب کرد. پیمان مودت ۲۰ ساله سوریه با اتحاد شوروی که اخیراً به امضاء رسید جبهه نیروهای ضد امپریالیسم جهانی را در برابر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع منطقه بیش از پیش مستحکم ساخت.

ابرهای سیاه بر فراز خلیج فارس

در هفته گذشته روزنامه پرو دادار دفاع از انقلاب ایران و فضای توطئه های امپریالیسم آمریکا بر ضد این انقلاب مقاله ای منتشر کرد که عیناً از نظر خوانندگانش گران عزیز می گذرد:

جیمز رستون مفسر آمریکایی در یکی از تفسیرهای اخیر خود که به فعالیت های انتخاباتی در آمریکا اختصاص دارد، می نویسد: مقامی که کارتر در اردیبهشت بر خلاف ریگان امکان می دهد که عمل کند. رستون می افزاید: کارتر عمل هم می کند. ضمناً باید گفت که این مفسر آمریکایی منطقه خلیج فارس را در نظر دارد که در آنجا درگیری مسلحانه میان ایران و عراق ادامه یافته است. حال ببینیم کارتر به چه عملیاتی دست زده است. ۲۱ اکتبر وزارت جنگ آمریکا اعلام کرد که در خلیج عمان یعنی در مجاورت مستقیم خلیج فارس مانورهای مشترک نیروی دریایی آمریکا و انگلیس آغاز شده و جمعاً ۱۸۰۰۰ نظامی و ۲۵۰۰ جنگی، از جمله ناوهای هواپیما برضبتی آمریکا بی میندوی وایزنها و روهمنین ۱۷۰ جنگنده در آنها شرکت دارند. این مانورها تا ۴ نوامبر ادامه خواهد داشت. بسیاری از ناظران خارجی در رابطه با این حوادث فوراً این نکته را به خاطر آوردند که اندرسن مفسر آمریکا بی دوامه پیش طی مقالات منتشره در روزنامه "مانفرا نیس کور و نیکو" جزئیات طرح حمله مسلحانه آمریکا به

ایران را که قرار است در نیمه دوم ماه اکتبر یعنی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا عورت گیرد. فاش ساختن نمایندگان دولت آمریکا در رابطه با عکس العمل کاملاً منفی که نقشه های وزارت جنگ آمریکا در جهان با آن روبرو شده اکنون تلاش می کنند محافل اجتماعی را تسلی بخشند و مدعی هستند که این مانورها در خلیج عمان با انتخابات آمریکا هیچ ارتباطی ندارد. اما می دانیم که تمرکز نیروهای مسلح آمریکا در منطقه خلیج فارس این اواخر به "سیار فشرده ای" پیدا کرده است. خود کارتر چند روز پیش گفت که: دولت وی تمام متدابیر لازم را اتخاذ کرده تا بتواند در این منطقه بسیار مهم به سرعت عکس العمل از خود نشان دهد. رئیس جمهور آمریکا با لاف و کزاف افزود: ما در آنجا تکنیک و ساز و برگ نظامی برای ۱۲۰۰۰ تفنگدار دریایی و مهمات جنگی برای ۵۰۰۰ هواپیما و دراقیانوس هند ۲ واحد ضربتی هواپیما بر مستقر کردیم که برتری ما را در هوا - آتامین مکتند و این امر به ما امکان می دهد که آنها عمل کنیم. بولون وزیر دفاع آمریکا اضافه کرد که آمریکا در حال حاضر در دریای عمان واحدهای نیروی دریایی دارد که نیرومند - تر از دیگر واحدهای نیروی دریایی هستند که سابقاً در آنجا مستقر بودند. به حرف های که وزیر جنگ آمریکا زده اضافه می کنیم که بر اساس گزارش های ارگان های

مطبوعاتی آگاه، آمریکا اکنون قریب به ۶ نا جنگی در آنجا مستقر کرده است. این تکه را نباید از نظر دور داشت که آمریکا از چند روز پیش به آموزش نیروهای واکنش سریع پرداخته است. هم اکنون این نیروها از ۲۵۷۰۰۰ سرباز ناوی و خلبان و تفنگدار دریایی زبده تشکیل شده اند. در چارچوب برنامه این آموزش اکنون مانورهای ستاد این نیروهای جدید مداخله گران فوراً برای ازایالت کالیفرنیا شمالی آغاز شده است.

مانورهای مشترک آمریکا و انگلیس در خلیج عمان و تعلیمات نظامی افراطی شهرت و واکنش سریع محافل اجتماع جهان راست نگران ساخته است و در همین حال در خود ایالات متحده این مانورها سوء ظن به وجود آورده است. روزنامه "نیویورک نیوز" نیویورک نوشته است، دولت کارتر به باطن طرناک دست زده است زیرا به نوشته این روزنامه کارتر ضمن کرش برای آزادی "گروگان" ها تا چهارم نوامبر یعنی تا روز انتخابات ریاست جمهوری حاضر است از تمام وسایلی که در اختیار دارد، استفاده کند. روزنامه "نیویورک دیلی نیوز" به جا و به حق اشاره می کند که گسترش خطرناک دامنه درگیری مسلحانه در خاور میانه ممکن است همان قیمتی باشد که در این صورت باید در مقابل حواس سیاسی رئیس جمهور آمریکا پرداخت.

آگهی

شب پیش از مرگش
کوتاه ترین شب زندگی او بود
اندیشه آن که هنوز هست
در مشت هایش خون را به آتش می کشید
سنگینی تنش دلش را می آشفته
نیرویش او را به ناله می آورد
درست در غرقاب این دهشت بود
که لبخند بر لبش نشست
او حتی يك رفيق نداشت
اما بودند میلیونها و میلیونها
که انتقامش را بگیرند و او می دانست
و روز به هوا خواهی او برآمد.

بوتیه اوژن پوتیه

که کموناهای تیرباران شده آنجا به خاک سپرده شده بودند، بردند. پلیس با درگیری پرچم سرخ را به زور از چنگشان درآورد. جمعیت عظیمی در تشییع جنازه با شکوه و حضور داشت. فریادها از هر طرف بلند بود: "زنده باد بوتیه!"

پوتیه، تنگدستی مرد، اما بنسای واقفان نا پذیری را از خود به یادگار گذاشت. او یکی از بزرگترین شاعرانسی است که با سروده تبلیغ پرداخته اند. هنگامی که پوتیه نخستین سرودش را ساخته تعداد کارگران سوسیالیست کم و بیش به ده ها نفر می رسید. امروزه ها میلیون پرتر با سرود تاریخی اوژن پوتیه آشنا هستند...

استراتژی کنونی چندملیتی‌ها

(قسمت دوم)

کشورهای در راه رشد از دست می‌دهند" انحصارات مهم غربی در فعالیت عملی کنونی به جای استفاده از نظام قدیمی امتیازات از شکل‌های جدید فعالیت چون شرکت‌های مختلط، قراردادهای لیزانس و مدیریت، قراردادهای خدمات پس از فروش، موافقت‌نامه‌های بازاریابی و توزیع و غیره سود می‌جویند. این شکل‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان نیستند و بنا بر این زبان‌های مهمی به بار نمی‌آیند.

اگر در آغاز دهه ۷۰ این گرایش در فعالیت‌های چندملیتی‌ها در مرحله رخ نمودن بود، امروز آن در همه جا دیده می‌شود. سیاست کشورهای در راه رشد که می‌کوشند سلطه چندملیتی‌ها را در اقتصادشان محدود سازند و در عین حال از نداشتن منابع مالی و تکنولوژیک رنج می‌برند، به گرایش مزبور کمک می‌کند. از این رو، آنها تشکیل شرکت‌های مختلط راه‌آزاد را اعطای برخی از امتیازات به این کشورها و انعقاد موافقت‌نامه‌هایی بین چندملیتی‌ها و شرکت‌های محلی و سازمان‌های دولتی بدون تشکیل دارایی‌های مشترک، تشویق می‌کنند.

گرایش به نوسازی مالکیت چندملیتی‌ها در کشورهای جوان به سودشبهه‌های مختلط از هر سو نمایان است. سنگینی ویژه این شعبه‌ها در چندملیتی‌های همه کشورهای سرمایه‌داری افزایش یافته است. مثلاً اگر در اواسط دهه ۷۰ چندملیتی‌های آمریکا بی ۵۸۰ موسسه فرزند بودند و در آن شرکت داشتند ۱۰٪ در ۱۹۷۵ تعداد این موسسات به ۵۲۳ تقلیل یافت.

همچنین باید به اهمیت فزاینده انواع شعبه‌هایی اشاره کرد که از دهه ۷۰ مانند کمپانی‌های مختلط با سرمایه مختلط فعالیت می‌کنند. با این که کمتر از ۹۵٪ سهام شرکت‌هایی که با شعبه‌های خارجی در ارتباطند، به کمپانی مادر تعلق دارد، موسسه مختلط، یک شرکت سهامی به‌طور مستقل است که بر اساس اصل تساوی سازمان یافته. در دهه ۵۰ کمتر از ۸٪ شعبه‌های خارجی چندملیتی‌های ایالات متحده طبق اصل مالکیت مختلط بوجود آمدند. در دهه ۷۰ این رقم تقریباً به ۱۱٪ افزایش یافت. وزن مخصوص شرکت‌های مختلط - بیشتر صوری و کمتر ماهیتی - در میان چندملیتی‌های سایر کشورهای امپریالیستی نیز فزونی یافت و از ۶٪ به ۷٪ رسید.

رقابت بر سر کنترل کمپانی‌های مختلط به موضوع دومینا رزه چندملیتی‌ها و سرمایه ملی محلی تبدیل شده است. واقعیت این است که تنها توزیع مساوی سهام در شرکت‌هایی که تا سیم می‌شود، خود به تنهایی دست یافتن به بازار جهانی، تکنولوژی و منابع مورد نیاز برای کشورهای در راه رشد که می‌کوشند آنها را با توسل به شرکت مختلط برای خودتأمین نمایند، تضمین نمی‌کند. از جمله عواملی که به عقیده کارشناسان سازمان ملل متحد موجب می‌شوند که کشورهای جوان نتوانند از شرکت‌های مختلط به نفع بیشتر اقتصادشان استفاده کنند، می‌توان از نظام تصمیم‌گیری بر اساس رای اکثریت (که غالباً از جانب چندملیتی‌ها بر سر کار نشان تحمیل می‌شود)، از نفوذ فنی، اداری و مالی چندملیتی‌ها در مدیریت شرکت مختلط تازه تأسیس یافته و بالاخره از بی‌اطلاعی و بی‌تخصصی مدیرانی که به وسیله دولت انتخاب می‌شوند، نام برد.

چندملیتی‌ها در جریان سازمان‌دانی شرکت‌های مختلط امکان یافته‌اند که

شکل‌های جدید توسعه

استراتژی کنونی چندملیتی‌ها در دنیای در راه رشد در جای نخست به عوامل سیاسی و تحول بنیادین وضعی که آن را به وجود آورده، مشروط می‌گردد. کنترل سرمایه‌گذاری‌های انحصارات غربی و محدود کردن قلمروهای کارساز این سرمایه‌گذاری‌ها از مسایل با اهمیت و حیاتی است که کشورهای جوان برای تحکیم استقلال اقتصادی‌شان در راه آن مبارزه می‌کنند. عده‌ای از کشورهای که در اندیشه تحکیم مواضع خود در بازار جهانی هستند، فعالیت انحصارات را به شرطی می‌پذیرند که صدور کالاها و تولیدی موسساتشان تضمین شده باشد. کامیابی سازمان اوپک در زمینه کنترل ثروت‌های نفتی کشورها - های عضو به نوبه خود به سبب کوشش‌ها در محدود کردن سهم کمپانی‌های امپریالیستی در درآمد‌های حاصله از استخراج منابع طبیعی کشورهای مستقل کمک کرده است. البته بررسی فعالیت چندملیتی‌های نفتی در کشورهای عضو اوپک خود به تحلیل ویژه‌ای نیاز دارد که خارج از وظیفه این مقاله است.

کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بیش از پیش به ملی کردن کامل یا بخشی از دارایی‌های موسسات خارجی روی می‌آورند. شما رملی کردن دارایی‌های خارجی در دهه ۶۰ به‌طور متوسط بیش از ۴۷٪ و در دهه ۷۰ ۱۴۰٪ مورد بوده است. چیزی که در این جا جنبه ویژه دارد این است که کشورهای رهایی یافته طی همین دوره نه تنها به انحصارات کشورهای استعماری قدیم - انگلستان و فرانسه - بلکه به کمپانی‌های آمریکا، سردمداران توسعه طلبی نواستعماری، ضربات جدی وارد کرده‌اند.

ملی کردن بیشتر کمپانی‌های تولیدکننده مواد اولیه معدنی و کشاورزی را زیر ضربه قرار می‌دهد. دامنه فعالیت‌های این کمپانی‌ها در کشورهای جوان خیلی بیشتر از کمپانی‌های صنایع تبدیل مواد است. از مجموع ۹۱۴ شرکت غربی که در فاصله سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۰ ملی شدند، ۴۰۲ شرکت در شاخه‌های معدن، استخراج نفت و کشاورزی فعالیت می‌کردند.

نتیجه این که فعالیت سرمایه‌گذاری چندملیتی‌ها در شاخه‌های تولید مواد اولیه دنیای در راه رشد با نسبه کند شده است. چندملیتی‌ها می‌کوشند قلمرو مکانی منابع مواد اولیه خود را وسعت بخشند و خود را از مناطقی که برایشان "خطرناک" است، بیرون کشند. چندملیتی‌ها از راه هدایت سرمایه‌گذاری‌های خود به شاخه‌های مواد اولیه کشورهای صنعتی در برابر سیاست کشورهای جوان مبنی بر برقراری حاکمیتشان بر منابع ملی و اکثراً نشان می‌دهند. تغییراتی که در میزان سرمایه‌گذاری‌های صنعت استخراج کشورهای سرمایه‌داری پدید آمده به این امر گواهی می‌دهند. از این رو، می‌بینیم که سهم کشورهای در راه رشد از ۳۴/۶٪ در ۱۹۶۵-۱۹۶۱ به ۱۴/۴٪ در ۱۹۷۵-۱۹۷۱ کاهش یافته است.

چندملیتی‌ها به واسطه جونا مساعدی که در عده‌ای از کشورهای رهایی یافته برای سرمایه‌گذاری‌هایشان به وجود آمده، ناچار شده اند شکل‌های جدیدی برای توسعه طلبی خود انتخاب کنند. رابرت‌ها و کینز و برترا م‌فین اقتصاددانان آمریکا - بی‌پس از ارزیابی جوانب مسائل جاری و دورنماهای گسترش کمپانی‌های بین‌المللی تا بید می‌کنند که: "در حال حاضر، با باقی ماندن شکلی از فعالیت برای چندملیتی‌های اروپای غربی و آمریکا بی‌در خراج، شعبه‌ها با مالکیت کامل اهمیت سابق‌شان را مخصوصاً در

از نین:

اوژن پوتیه

برای بیست و پنجمین

سالروز مرگش

در نوا مبر ۱۹۱۲، بیست و پنج سال از مرگ اوژن پوتیه کارگر شاعر، مولف سرود پرولتاریایی انترناسیونال "برخی‌ها، داغ نفرت خورده... می‌گذرد."

این سرود نه تنها به همه زبان‌های اروپایی، بلکه به اکثر زبان‌ها ترجمه شده است. هنگامی که کارگر آگاهی در کشوری با ناکامی روبرو گردد و سرنوشت او را به سرزمین دیگری راند، بیگانگی، محرومیت از زبان و دوستان و دوری از میهن را احساس کند، می‌تواند در فیکان و دوستانش را در سرود انترناسیونال بیابد.

کارگران همه کشورهای سرودشاعر - پرولتاریا که مبارزین با همگامی هستند، برگزیدند و آن را به سرود جهانی پرولتاریا برگزیدند و آن را به سرود جهانی پرولتاریا مبدل ساختند.

کارگران سراسر جهان امروز یاد اوژن پوتیه را گرامی می‌دارند. زن و دخترش که هنوز زنده‌اند، همچون دوران زندگی این مولف انترناسیونال، در بینوایی به سر می‌برند. او ۱۴ اکتبر ۱۸۱۶ در پاریس زاده شد. نخستین ترانه‌اش را تحت عنوان: "زنده باد آزادی در چهارده سالگی سرود. در ۱۸۴۸ در سنگریه یکار عظیم کارگران علیه بورژوازی جنگید.

پوتیه در خانواده فقیری به دنیا آمد. او که نخست در نوانخانه به سر می‌برد و بعداً طراحی نقشه برای پارچه زندگی می‌گذراند، در سراسر زندگی همچنان فقیر و پرولتاریا می‌ماند.

او از همان آغاز ۱۸۴۰، در پرتو سرود - های رزمی که وجدان عقب ماندگان را با آنها بیدار می‌ساخت، کارگران را به یگانگی فرا می‌خواند، بورژوازی و حاکمان بورژوازی کشور را سرزنش می‌کرد و در همه حوادث مهم فرانسه شرکت داشت.

در ۱۸۷۱، به عضویت کمون کبیر پاریس درآمد. از ۳۶۰۰ رای دهنده ۳۳۵۲ نفره او رای دادند. او در کلیه فعالیت‌های کمون، یعنی نخستین حکومت پرولتاریایی شرکت جست.

پس از سقوط کمون، پوتیه ناگزیر شد نخست به بریتانیا نیاید که کبیر بعد به آمریکا پناه ببرد. او در ژوئن ۱۸۷۱ یعنی در حقیقت پس از شکست ماه مه، سرود معروف انترناسیونال را پدید آورد...

کمون درهم شکست. اما انترناسیونال پوتیه اندیشه‌های آن را در سراسر دنیا پراکنده و امروز بیش از هر وقت زنده است.

پوتیه در سال ۱۸۷۶ هنگامی که در تبعید بود، منظومه‌ای را به نام: کارگران آمریکا به کارگران فرانسه، سرود او در این منظومه زندگی کارگران را در زیر یوغ سرمایه‌داری و بدبختی، کاراجباری - شان استعمار و اعتماد استوارشان را به پیروزی هدفشان در آینده تصویر می‌کند.

پوتیه تنها وقتی به فرانسه بازگشت که نه سال از چادنه کمون گذشته بود، او در آن هنگام به عضویت حزب کارگر پذیرفته شد. نخستین جلد اشعارش در ۱۸۸۴ منتشر شد. دومین جلد اشعار او در ۱۸۸۷ به نام سرودهای انقلابی انتشار یافت.

ترانه‌های دیگر کارگر شاعر پاریس از مرگش به چاپ رسید. او ۸ مبر ۱۸۸۷، کارگران پاریس جسد پوتیه را به گورستان پرلاشز

امتیازات مسائل کلیدی چون تعیین عرصه فعالیت موسسه جدید فروش بخشی از دارایی‌های آن، انتشار رساله تکمیلی، اخذ وام بیش از میزان مقرر، استفاده از منابع برای توسعه تولید و غیره را خود اختصاص دهند. سیستم تصمیم‌گیری به سود چندملیتی‌هاست. زیرا آنها تنها هستند که اکثریت آرا، بلکه در حل مسایل اساسی مدیریت از حق و توجیه برخوردارند. این سیستم به انحصارات امکان می‌دهد که شرکت مختلط را زیر کنترل خود در آورند. چندملیتی‌ها از این موقعیت برای بهبود روابط خود و تهیه منابع برای خویش استفاده می‌کنند. نه این که به کشورهای در راه رشد کمک کنند تا هدف‌هایشان به اجرا درآید.

به این دلیل در سال‌های اخیر کشور - های جوان هر چه بیشتر ترجیح می‌دهند به جای تشکیل شرکت مختلط از راه انعقاد قرارداد با چندملیتی‌ها رابطه برقرار کنند. یکی از شکل‌های جدید فعالیت چندملیتی‌ها که بسیار رواج دارد، تنظیم قراردادها و همکاری فنی با کشورهای جوان است. طبق این قراردادها چندملیتی‌ها متعهد می‌شوند در ازای دریافت حق الزحمه ویژه خدمات فنی لازم را برای اجرای طرح معینی تأمین نمایند. در عین حال آنها در هیچ مرحله‌ای از تکمیل طرح به عنوان مالک آن شناخته نمی‌شوند.

چندملیتی‌ها در جریان اجرای قراردادها و همکاری فنی به هیچ وجه در سرمایه‌گذاری‌های طرح دخالتی ندارند. کلیه وجوه توسط کشورهای در راه رشد که مالکان مطلق منابع طبیعی، تجهیزات و ابزار تولیدند، تأمین می‌شود. چندملیتی‌ها خدمات فنی را به شکل کمک در تمام مراحل اجرای طرح به عهده دارند. این خدمات شامل کاوش‌های زمین‌شناسی، امور مهندسی، تدارکات متالورژی، اطلاعات درباره اکتشاف روش‌های اجرای طرح، برنامه‌های آموزش و تربیت پرسنل و سرویس‌های اطلاعات می‌باشد. شرکت‌های چندملیتی در بازارهای کالاها هیچ مسئولیتی ندارند و مجبور نیستند بخش معینی از کالاها را که به موجب طرح مذکور تولید شده، خریداری کنند.

شکل‌های جدید توسعه چندملیتی - ها در کشورهای در راه رشد را نمی‌توان کمک واقعی به کشورهای جوان تلقی نمود. این نوع کمک‌ها همیشه در قالب بسیار محدود و دقیقاً مشخص انجام می‌گیرند. در حقیقت این جا مساله عبارت از "کمک" به رشد سرمایه‌داری در مناطق عقب مانده و فراهم آوردن زمینه اقتصادی - اجتماعی لازم برای فعالیت انحصارات غربی است. در آخرین تحلیل، شعبه‌های مختلط، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای در شرایط جدید تاریخی به دو منظور افزایش می‌یابند:

۱- حفظ مواضع سرمایه‌مالی ایالات متحده و سایر کشورهای امپریالیستی

۲- تحکیم موقعیت بورژوازی بزرگ محلی در برخی کشورهای در راه رشد.

چندملیتی‌ها به پیدایش یک طبقه دولت‌مندی که به موهبت همکاری با امپریالیسم و درآمد میخند با آن صاحب ثروت می‌شوند، کمک می‌کنند. این "درآمد میخند" با منافع انحصارات کاملاً مطابقت دارد. چندملیتی‌ها با مطابقت دادن فعالیت‌هایشان با نیازهای کشورهای در راه رشد از آن برای توسعه نفوذ اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک خود استفاده می‌کنند.

بن بست کمپ دیوید

حاکمان قاهره پیش از بن بست با صهیونیست ها از خط مشی ناصر در سیاست داخلی روی گردانند. سادات پسین از رسیدن به مقام رئیس جمهوری به دستاورد های انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ یورش برد، بخش های خصوصی را تشویق نمود، و بخش های دولتی را که در زمان ناصر پایه اقتصاد دملی را تشکیل می داد، متوقف کرد. "لیبرالی کردن اقتصاد" که از دیرباز مورد ستایش سادات بود، موجب همیونیستی سر- مایه داری با استعمار نو و رشد بورژوازی گردید. از این سیاست در جای نخست کسانی سود بردند که از انقلاب ژوئیه لطمه دیده بودند مانند: بورژوازی شهری روستا، کارگران، واسطه ها و سوداگران آنها توانستند کنترل دستگا دولتی را که به دولتمند شدن شان کمک می کند، در دست گیرند. برنا مریزی اقتصاد دملی را وجود ندارد. موجه کالاها و سرمایه خارجی که به کشور سرانیز شدند موجب کسر موازنه پرداخت ها و وابستگی مصر به دنیای سرمایه داری گردید. رهبری جدید اصلاحات ارضی را در روستا متوقف ساخت. زمین های که در زمان ناصر بزرگ مالکان پیشین ضط و بین دهقانان تقسیم شده بود، دوباره به عده زیادی از آنان باز- پس داده شد.

این سیاست زحمتکشان راناراضی کرده است، خشم آنها گاه به صورت اعتصابات کاری و گاه به شکل راهپیمایی های دانشجویان یا اغتشاشات دهقانان بروز می کند. در مصر هنوز سخنانی را به یاد می- آورند که ناصر در ۱۹۶۸ ایراد نموده بود: "ما باید کشور را رشد دهیم، و پیشرفت آن را نه به نفع گروه کوچکی از افراد بلکه به نفع تمام خلق تا مین کنیم".

تغییر خط مشی در داخل کشور پس از مرگ ناصر با سمت گیری جدید سیاست خارجی همراه بود. در قاهره از عقب نشینی "بدون خونریزی" گروه های سراسری از بخشی از سینا با افتخار یاد می کنند. در نبرد اکتبر، ۱۹۷۳ هزاران سرباز مصری نه تنها برای آزادی سینا، بلکه برای طرد همه دارو دسته های متجاوز تل- او بوخ خود را به زمین ریختند. جمال عبد الناصر در نطق خود در دانشگاه قاهره در ۲۵ آوریل ۱۹۶۸ گفت: "مسأله طرد دارو- دسته های متجاوز سراسری بیلی تنها به عقب نشینی گروه های سراسری از سینا محدود نمی شود. اگر موضوع این بود، خیلی

زود با دادن امتیاز می توان به این نتیجه رسید... اما مسأله عبارت از سر نوشت ما و سر نوشت اعراب است. برای آزاد کردن سینا باید شرایط آمریکا - اسرائیل را پذیرفت و اورشلیم، کرانه های رود اردن و سایر اراضی اعراب را به اسرائیل داد... علاوه بر این باید به تعهدات خود در برابر دنیای عرب خیانت نمود... مسأله به سینا ختم نمی شود و بسیار وسیع تر و عمیق تر از آن است: بودن یا نبودن... یک دولت مستقل و صاحب حاکمیت باقی ماندن یا وارد قلمرو نفوذ شدن: مسأله این است". به بیان یا سرعفات خیانت سادات به امر اعراب در برابر "مشتی شن محصرای سینا" موجب تنظیم قرارداد دنگین مصر با صهیونیست ها و تشدید و خاتمت در تمام می خاور نزدیک شده است.

امروز مقامات رسمی قاهره وانمود می کنند که از تصمیم اسرائیل در الحاق تمام می اورشلیم و اعلام آن به عنوان "پایخت واحد تقسیم پذیر" به خشم آمده اند. اما این امر مانع از مذاکرات جدید با غاصبان فلسطین نشد. حاکمان قاهره مدعی اند که هدف شان از این مذاکرات دفاع از حقوق فلسطینی ها است!! اما همانطور که ناصر در مارس ۱۹۶۹ تاکید نمود، مبارزه برای مرعادلانه فلسطینی ها عبارت از "حداکثر پشتیبانی از مقاومت فلسطین" از جمله "کمک مادی و نظامی به نیروهای آن است" او همچنین اعلام نمود: "مصریها به مردم اورشلیم شکوه تمام وعده می دهند که هرگز در برابر آنچه که اسرائیل می خواهد به آن - ها تحمیل کند سر تسلیم فرود نخواهند آورد. مردم اورشلیم بخشی از ملت عرب اند و هیچ کس حق ندارد، آنان را از این شهر بیرون راند...".

جمال عبدالنصر تا کید می نمود که آمریکا همدست و با وراطلی متجاوزین است: "ایالات متحده آمریکا مسئول اصلی تشدید بحران در خاور نزدیک است. از آغاز موضع این کشور با دیدگاه و موضع اسرائیل در این مسأله یکی بود. و این، با اطمینان - های آمریکا که می خواهد اعراب در صلح زندگی کند، منافات دارد". اکنون مقامات رسمی قاهره آمریکا را دوست و متحد خود می دانند آنها به ستایش از "کمک" اقتصادی و نظامی آمریکا مشغولند که استقلال کشور و وثیقه آن است. رفتارش را تغییر نداده، همچنان به پشتیبانی تمام عیار از تل ابومغف است. مصر هر چه بیشتر به ابزار امپریالیسم آمریکا در خاور نزدیک و میان و آفریقای شمالی بدل می شود. امروزه واحدها و مشاورین نظامی مصر بر ضد متجاوزین

را ویران می کنند. مقامات چینی هم اکنون ده ها لشکر در نزدیکی مرز ویتنام متمرکز ساخته هر روز دست به تحریکات مسلحانه می زنند و پیوسته تهدید می کنند که "درس تازه ای" به ویتنام خواهند داد. سیاست متکی بر زوری که مقامات چینی بر ضد ویتنام، بر ضد ملتی که ابتدا از دست استعمارگران فرانسوی و سپس از ناحیه امپریالیستهای آمریکایی آزار و ستم ناشنیده ای را متحمل شده با این همه پرچم استقلال و صلح را مدام برافراشته نگاه داشته است، تعقیب می کنند تجاوز غشنی به قانون بین المللی است و همه ارزش های بشری را زیر پا می گذارد.

یک چنین سیاستی از ویژگیهاست وینیسیم "ملت سرور" و "مستعبدان" چین است که مدعی اند حق دارند استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای دیگر را نادیده بگیرند. این سیاست همچنین پیکار جویی با کلیه نیروهای ملی - دموکراتیک و ملحدوستی است که برای تحکیم تشنج زدایی مبارزه می کنند و می کوشند تا به آرمسان صمیمانه همه ملت ها برای تحقق صلح و

صهیونیست و استعمارگران مورداستفاده قرار نمی گیرند. از آنها برای سرکوب جنبش های خلقی در برخی کشورهای آفریقا و در عمان استفاده می شود. شرکت واحد - هایی از مصر در نگهبانی از رژیم فاسد صدام نمونه دیگری از حضور ارتجاعی مصدرر منطقه است. ضد انقلاب افغان در اردوگاه - های مصر آموزش نظامی می بینند. در ۱۹۷۷ رژیم سادات بر ضد لیبی، کشور عربی برادر که راه رشد مترقی را در پیش گرفته دست به تجاوز زد و دوباره واحدهای نظامی - اش را در کناره مرزهای این کشور متمرکز ساخت. رهبری کنونی قاهره پایگاه های نظامی آمریکا را در خاک خود پذیرفته است. تمرین یک اسکادران شامل ۱۲ جنگنده فانتوم اف ۱۴ آمریکایی به مدت سه ماه در مصر که در یازدهم مهر ماه سال پایان یافت و نیز اعزام ۱۴۰۰ سرباز و یک اسکادران که متشکل از ۱۲ هواپیما می باشد، برای انجام مانورهای مشترک نظامی با مصدرر ۲۲ آبان ماه نمونه هایی از همکاری های نزدیک نظامی این دو کشور است. فرودگاه - های مصدرر و ریل گذشته برای انجام "عملیات نجات" در ایران مورداستفاده هواپیماهای آمریکایی قرار گرفت.

رهبران کنونی مصر با گردش به راست و رو آوردن به آمریکا دوستان واقعی مصر را دشمنان مردم این کشور معرفی می کنند. تا همیشه تا کید می نمود که دوستی با اتحاد شوروی خاتمن مطمئنی برای حفظ استقلال مصر است. او در ۲۷ مارس ۱۹۶۹ در این باره گفت: "ما همیشه نسبت به اتحاد شوروی به خاطر رفتاری که با ما و مبارزه مشروع ما دارد، احساس حق شناسی می - کنیم. ما از ۱۹۵۵ از اتحاد شوروی اسلحه دریافت می کنیم، اما تاکنون هیچ جای نشنیده ایم که از ما کوچکترین توفیق و انتظاری سیاسی داشته باشد. اتحاد شوروی هیچ شرط و توفیقی که غرور ملی ما را جریحه دار کند، مطرح نکرده است. علاوه بر تهیه سلاح، ما به خاطر اعتقاد به جنبش رهایی بخش ملی خلقها، داشتن موضع ضد امپریالیسم و اعتقاد ما به مبارزه علیه استعمار و رونقش های خائنه امپریالیسم با اتحاد شوروی پیوند داریم".

تجربه طولانی مبارزه برای ساختمان مصر نوین به روشنی به ناشر نشان داد که دوستان و دشمنان واقعی مصر چکسانی هستند. در این باره می گوید: "دوستان ما کسانی هستند که به عادلانه بودن موضع ما باور دارند و در این امر درست به ما یاری می کنند. دشمنان ما آنها یی هستند که مواضع و منافع شان با مواضع و منافع دشمنان ما تطبیق می کند. اتحاد شوروی در نبردی که

دوستی و همکاری بین المللی دست یابند. تدارکات پکن برای یک جنگ تهاوز کارانه تازه بر ضد جمهوری سوسیالیستی ویتنام و خطری که این امر برای جمهوری دموکراتیک خلق لائوس در بردارد. و همچنین تهدید پکن به دخالت در امور داخلی جمهوری خلق کامبوجیا، تشنج فوق العاده ای در جنوب شرقی آسیا پدید می آورد.

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح طلب می کند که مقامات پکن به تحریکات مسلحانه خود بر ضد ویتنام پایا ن دهند و از نقشه های تهاوز تازه شان دست بکشند و به استقلال و حاکمیت ویتنام و همچنین به تمام مردم آن در خشکی و دریا احترام بگذارند. از آن گذشته، پارلمان جهانی طلب می کند که پکن خسارات بزرگی را که در نتیجه جنگ تهاوز کارانه فوریه ۱۹۷۹ و شلیک مداوم توپخانه اش پس از آن تاریخ به ملت ویتنام وارد کرده است جبران کند.

پارلمان جهانی از پیکار مصممانه ملت ویتنام برای بازسازی ملی و دفاع از میهن خود پشتیبانی کامل می کند و مراتب تحسین خود را نسبت به حسن نیت

ما با متجاوزین داریم با روپشتیبانان ما ست و از موضع مدافع می کند. ایالات متحده آمریکا در برابر ما موضع دشمنانه دارد". سادات به این اصول ناصریست پایا زده، اعلام می دارد که ایالات متحده و اسرائیل دوستان واقعی مصرند.

مردم مصر علی رغم بندوبست خائنه سادات آرمایان های شریف و عادلانه ناصر را در قلب خود محفوظ نگاه داشته اند. بسیاری از کشورهای عربی این آرمایان ها را در فعالیت عملی خود یاری می دهند. خلقهای عرب با قوت و استحکام سیاست ارتداد و بندوبست طلبانه سادات رامحکوم می کنند. در مصر جبهه مقاومت شدیدی در برابر سادات قد علم کرده است. کشورهای مترقی عرب و جبهه آزادی بخش فلسطین در برابر فشار خائنه و انشعاب طلبانه سادات یک جبهه پایا داری بوجود آورده اند. قاهره کمک مالی قابل ملاحظه کشور های عرب تولید کننده نفت را از دست داده است. کشورهای عرب رابطه سیاسی و اقتصادی خود را با مصر قطع کرده اند. در خود مصر نمایندگان گرایش های مختلف سیاسی - اجتماعی بر ضد قرارداد دنگین جداگانه با اسرائیل به مبارزه برخاسته و خواستار لغو این سند سارت با رند. آنها بر ضد اعطای پایگاه های نظامی به پنتاگون، در راه احیای رابطه دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و در راستا آنها اتحاد شوروی، بازگشت مصر به جرگه کشورهای مترقی عرب بر ضد تهاوز اسرائیل، در راه تحکیم اقتصاد ملی در جای اول تکیه به بخش عمومی در روی گرداندن از سرمایه خارجی و محلی مبارزه می کنند.

همانطور که محافل دموکراتیک مصری وفادار به رهنمودهای ناصر معتقدند تا مین استقلال واقعی کشور، تنظیم استوار و عادلانه مسائل خاور نزدیک تنها بر اساس اصول فوق میسر است. جمال عبد الناصر در این باره تا کید می نمود: "آنچه ما به آن فکر می کنیم تنها حل مسأله خاور نزدیک نیست، بلکه کیفیت حل آن است. شایستگی و عظمت، آینه و سر نوشت ما به راه حل مناسب مسأله بستگی دارد". به عقیده عناصر مترقی دنیای عرب، آینده مصر و دنیای عرب به اجرای رهنمود - های جمال عبدالناصر، این چهره برجسته جنبش رهایی بخش ملی بستگی دارد.

اتحاد مردم
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
 محمود اعتمادزاده (م. ا. م. آذین)
 سردبیر: محمد تقی برومند
 آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹
 تلفن ۶۴۳۸۴
 چاپ کاویان تلفن ۳۱۶۲۰۹

مداوم دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام و ابتکارات و پیششادهای سازنده اش به منظور حل مناقشات سرحدی از راه مذاکره صلح. میره استقرار مجدد مناسبات عادی میان ویتنام و چین اجرایی دارد. پارلمان جهانی پیشنهاد جمهوری سوسیالیستی ویتنام را در باره بهبود روابط با دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا به صورتی که آنان بتوانند متفقا این بخش از جهان را به منطقه ای قریب صلح و ثبات، بیطرف و بیرونق در آورند به گرمی تایید می کند.

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح از نیروهای مبارزه صلح و مردم همه کشور - ها دعوت می کند تا همبستگی کامل و بیاری موثر مادی و معنوی خود را در حق ملت ویتنام گسترش دهند. همبستگی با ویتنام اکنون بیش از هر زمانی ضرور است. بگذار شعرا مبارزه جویانه دستها از ویتنام کوتاه! درس از جهان طنین افکن شود.

بقیه: انتخاب راه

اما شکست توطئه‌ها نشانده، مدام هنوز پیروزی نهایی ایران انقلابی نیست. دشمن اصلی آمریکا است که در رأس همه نیروهای شیطانسی امپریالیسم قرار دارد و همه توطئه‌ها را، یکی پس از دیگری سازمان می‌دهد. آمریکا پس از صد ملت‌های دیگری در ترکش دارد. و نه تنها همان عوامل دست‌آموز در منطقه، سادات و بیگین و دیگران، بلکه احتمالاً در میان عناصر نهفته و آشکار ضدانقلابی داخل ایران از آن گذشته، حضور نظامی بی‌باک و بی‌سبب آمریکا در آلبانی و یوگوسلاوی نیز یک تهدید جدی برای ایران را نیز باید در نظر داشت. این انبوه کشتی‌های جنگی و هواپیماها و نفرات و ساژورگ، اگر هم به سبب خطاها و جدی و مکرر اتحاد شوروی نتوانند مستقیماً وارد معرکه شوند، به هر حال نیروی فشار بسیار بزرگی به شما می‌روند و برای ماجراجویی‌های ارتجاع منطقه بر ضد ایران انقلابی تکیه‌گاه موشری می‌توانند باشند. پس اگر پیروزی می‌خواهیم، باید همه عوامل و اسباب پیروزی در یک نبرد طولانی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را فراهم آوریم. باید همه نیروهای ملت را در همه زمینه‌های نظامی، تولیدی، سیاسی و فرهنگی بسیج کرد. باید این نیروها را که دیگر آماج دگی انقلابی‌شان برای وحدت در عمل به ثبوت رسیده است در یک سیستم به هم پیوسته منطقی گرد آورد و در راه هدف مشترک، یعنی استقلال کشور و آزادی و رفاه مردم از همه انواع استعمار، به کار گرفت. باید در عرصه سیاست جهانی به اصول واقع‌بینانه اتحادها و همبستگی‌ها و همکاری‌های ضروری - در چارچوب منافع کشور و انقلاب - دست یافت و از این سردرگمی که تاکنون ویژگی عمده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است بیرون آمد.

در نبرد برای استقلال کشور و گسترش و زرفا سیاسی انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران، ما گذشته‌زایمان و شورش‌نازی و شوق‌کار، به سلاح‌های جنگی، به کارخانه‌ها، به تاسیسات زیربنایی حمل و نقل، به انواع ماشین‌ها، به تعمیرگاه‌ها و ورزی مدرن و همچنین دست‌کم مدت‌ها به

انواع مواد مصرفی نیاز داریم اگر نخواهیم با ردیگر در حلقه وابستگی به جهان سرمایه‌انحصاری و در چنگ امپریالیسم غارتگر جنگ افروزی بنشینیم، باید این همه را از کشورهای دیگری بگیریم که داعیه تسلط بر دیگران - ویرانه‌نارند و نمی‌توانند داشته باشند. چنین کشورهایی از یک سو آنانی هستند که مثل خود ما سودای استقلال و آزادی دارند، مانند هند و کشورهای غیرمتعهد، و از سوی دیگر، به میزانی بسیار وسیع تر و موثرتر، کشورهای اردوگاسوسیا - لیستی. ما هر چه به گرد خود نگاه کنیم، غیر از این نیروی در جهان نمی‌بینیم که در کنار ما با امپریالیسم جهانی یاری‌مان کند.

مسئله‌ای که امروز در برابر ملت ایران، مجلس شورای اسلامی و دولت برخاسته از انقلاب، مطرح است، نه چندان آدامه جنگ با رژیم صدام تا نیل به پیروزی، بلکه انتخاب قطعی راه در سیاست خارجی می‌باشد. طرح مسئله گروه‌گانه در مجلس و حل آن به صورتی که سرانجام با آمریکا به توافق برسیم، می‌تواند این راه را مشخص کند. از این رو، مسئله درخون‌نهایت دقت است. چنان که شنیده می‌شود برخی، در این دو سه روزه که به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده است، اصرار می‌ورزند که با حل کارگروگان‌ها به کا ندیدایی که گویا کم‌خطرتر است کمک شود تا او هم با حق شناسی مطالبات ما را بپردازد و ما را در امور داخلی خود آسوده بگذارد. کمترین چیزی که در این باره می‌توان گفت آن است که این آقا با ن در دا مینداری‌ها و آه‌ها فتاده - اند. سیاست تجا و زکارانه و غارتگری‌ها و گانگ‌ها که با تمام سنگینی ناوگان جنگی خود ما و همه جنبش‌های رهایی بخش منطقه را زیر فشار گذاشته است، با آمدن و رفتن فلان رئیس جمهوری عوض نمی‌شود. برای انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران با اردوگاه جنگ و غارت به رهبری آمریکا هیچ زمینه توافقی وجود ندارد. هرماژی که با جهان‌نخواران سرمایه‌انحصاری صورت بگیرد، ناگزیر به قلب ما هیت انقلاب بزرگ ایران منجر می‌شود و ملت به هیچ عنوان بدان تن نخواهد داد.

پیام به نویسندگان، شاعران و هنرمندان عراق

وچنان‌تان بینا، بنگرید که از سومی‌ها طلبی فردی و از ملعنیت تعصب قومی بعث بر دو ملت عراق و ایران - و در پایان، اگر به چاره برنخیزیم، بر همه ملت‌های ستمدیده منطقه - چه می‌رود. پرده اوها م عظمت طلبی محال را بدرید و این جنگ، این خیانت بزرگ نا بخشودنی را چنان که هست ببینید و با زما بید با جمعای ناروا، دوست شکن و دشمن نواز، آنجا که برادر خون برادر را به عبث می‌ریزد و شغالان در کمین نشسته امپریالیسم و صهیونیسم دست به هم می‌بندند و می‌چنانند. ولی تا کی و چند؟ دیده ایدومی - ببینید که در این جنگ تجا و زکارانه، در این بزرگترین غبن خرد و شرف و آزادی، هر چه هست کشتار است و ویرانی است و هدر دادن نیروهای مختتم. و اگر دست توانای توده‌های عراق برای متوقف ساختن این تبهکاری بلند نشود، آنچه نصیب مردم‌تان خواهد شد ناگزیر غارت زندگی بیشتر و وابستگی بیشتر خواهد بود. خودباختگی و وا خوردگی، و این پذیرفتنی نیست. نگذارید فریب و دروغ خود ستارا را بر شما و بر ملت عزیز عراق بزنند. رهایی توده‌های عرب و ایرانی، آزادی فلسطین و همه سرزمین‌های در مانده، جز به همبستگی و همگامی و هم‌زمینی این توده‌ها میسر نیست.

شما، ای نویسندگان و شاعران و هنرمندان عراق، ای کسانی که زبان گویا، دست هنرور و وجدان اندیشمند ملت خود هستید، به خود آید و آنجا که حق و انصاف سیلی می‌خورد سکوت رواندارید. بگویید و با زبگوییید که این جنگ تجا و زکارانه تحمیلی است. بگویید و با زبگوییید که جنگ دو برادر تنها موجب نیرومندی و شادکامی دشمن است. با هر بیانی و هر افزا رهنری که دارید، بر دوستی و تفاهم و همبستگی توده‌های بنده گل تا کید ورزید. ملت‌های مستضعف را، در هر کران که هستند، به اتحاد برای برکندن ریشه ستم‌فرا خوانید. سلاح‌های مانه به روی یکدیگر، که به روی دشمن مشترک: صهیونیسم غاصب سلطه‌جو و امپریالیسم غارتگر آتش افروزی پد آتش کند. هرگز مباد که در شناخت هدف، در کاربرد سلاح یا در تعیین سمت آتش به اشتباه مانا فکنند! با سلام و درود:

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران
تهران - ۱۳۵۹/۸/۶

به شما، ای کسانی که با پدپام آورشادی و زیبایسی زندگی باشید!
به شما، ای کسانی که نبوغ هنری‌تان باید به سوی آزادی و برابری و برادری راهگشا باشد!
به شما، ای کسانی که قلب امیدوار بشردر واژه‌تان باید بتبید!
به شما، ای کسانی که آرزوی بهروزی فرزندان آدم با پیدا ز نوک خامه‌تان بتراود!
این پیامی است نه از بهر شامت، که از سودای حیرت‌ناز سرعز، که به پاس شرف مردی، نه به انگیزه دشمنی، که به جستجوی زبانی مشترک و گویا به حق.

ما خود را و شما را برادری می‌دانیم، خود را و شما را رهروان یک راه، کارورزان یک کارگاه، رزمندگان یک سنگرمی - شما ریم. از همین رو در حیرتیم که شما را چه می‌شود؟ کجا بید؟ آیا باور کردنی است که ندانید در خرمشهر و آبادان، در دزفول و اهواز، در قصر شیرین و کرمانشاه گروه‌گروه کودکان در دبستانها، بیماران در بیمارستانها و نیمه‌شبان مردم خفته در خانه‌ها با شلیک توپها و موشکهای ارتش بعث کشته می‌شوند؟ چه می‌گویید؟ این چه جنایتی است که پیش چشمان - تان مرتکب می‌شوند و شما دم بر نمی‌آورید؟ زندگی در دو سوی شطی که رنگ زندگی ما و شماست به هزار گلوئی بریده فریاد بر می‌دارد: چرا این سیل آتش و بولادو خون؟ چرا این شتاب به سوی مرگ و ویرانی؟ چرا این انبوه کشتگان و سوختگان و زخمیان و آوارگان؟ این ترکش بمب‌ها و موشکها و خمپاره‌ها برای چه شهرها را با مردمش بیکباره شخم می‌زنند و زیر و رو می‌کنند؟ این کارگاه‌ها و کارخانه‌ها برای چه بر سر کارگران و ویران می‌گردد؟ این خانه‌های فروریخته، این کشت‌های سوخته، این نخل‌های شکسته و سرگون افتاده، این رگهای گسسته، لوله‌های نفت، این شعله و دود گسترده برپهنه آسمان، برای چه؟ این چه جنایت سهمگینی است؟ و دست جنایتکار برای چه قطع نمی‌شود؟

شما، ای نویسندگان و شاعران و هنرمندان عراق، شما، ای کسانی که در عرصه اندیشه و هنر انتظار می‌رود، پاسداران خرد و سلحشوران عدل و انصاف باشید، ما شما را به داری خرد و انصاف می‌خوانیم. واقعیت خونبار رگوبیاست

فرزندان زحمتکشان شهرها صوف پاسداران، بسیج خلقی سربازان فداکار ما را در میدان - های نبرد با امپریالیسم، بعثیون مزدور و ضدانقلاب داخلی برمی‌کنند. روستاییان زحمتکش، سراسر کشور برای کاروبیکار به جها دبرخاسته‌اند. پاسداری از انقلاب و تعمیق آن حکم می‌کند که علی - رغم مشکلات موجود لحظه‌ای در اجرای دقیق و قانوممند برناممه و اگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین درنگ نکرد. هر نوع تاخیر در این راه ضربه‌ای است به روحیه انقلابی دهقانان زحمتکش، ما بوس گردانیدن و سپس از هم‌پاشیدن صوف آنها به نفع ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم. تاکیدا انقلابی‌ما مبنی برادامه کار و اگذاری زمین بر مبنای قانون مصوب شورای انقلاب یکبار ردیگر توطئه دشمنان و اگذاری زمین راکه بارها بی دهقانان زحمتکش ما از قبید ظلم و استعمار بزرگ مالکان و خوانین مخالفانند، نقش بر آب ساخت و به تحکیم روند انقلاب در روستا کمک نمود.

های سوسنگر و دشت آزادگان از ورود ارتش متجاوز صدام طاغوت - که پس از واپس راندن نیروهای دشمن ۲۱ تن از آنان به سزای خیانت خود رسیدند - نمونه‌ای از تعقیب کور طبقه‌ای این زالوه‌های ضد اجتماعی است که به خاطر حفظ منافع پلید خود حاضرند میلیون‌ها تن از "هموطنان" خود را به تیغ بیگانه واپس - گرا و امپریالیست بسپارند. ۲۱ تن فئودال معدوم نمونه منحصربه‌فرد نیستند. نمونه‌های طبقاتی آنها در سراسر کشور رودر زوی انقلاب ایستاده‌اند. یکی ز تازه‌ترین جنایاتی که به دست این طبقه دردوماه پیش صورت گرفت و بیش از پیش از ما هیت ضد خلقی آنان پرده بر می‌دارد، جنایت خوانین روستای "شعبه" در جنوب است. خوانین این روستا سه تن از اعضای شورای ده راکه مبادرت به مصادره تعدادی موتورآب به نفع دهقانان کرده بودند، به دست افراد مسلح خود به قتل رساندند. دهقانان بی‌زمین و کم زمین و خرده مالکان ستون اصلی تداوم انقلاب در روستا - ها هستند. جوانان برخاسته از روستا که عمدتاً از فرزندان این زحمتکشان‌اند، همراه با

با آن در تضاد است. سینه چاکان و پادوهای فئودال‌ها و بزرگ مالکان که هیچ‌راهی برای حفظ موقعیت ولی نعمتان خود نیافتند، ناچار شدند برای عوام فریبی و ایجاد آشفته‌فکری ز نام اسلام سو استفاده کنند تا با بدمانع از اجرای قانون و اگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین شوند و بدین سان به انقلاب لطمه وارد کنند. انقلاب اسلامی ایران انقلاب مستضعفان بر ضد مستکبران استعمارگراست. این انقلاب تنها با تاسیس واقعی حقوق زحمتکشان و کوتاه کردن دست کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان از حیثات اقتصاد اجتماعی و وطن ما می‌تواند زنده بماند و نتوان مبارزه با امپریالیسم خونخوار و انحصارات فارتگر چندملیتی را داشته باشد. کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی پایگاه عمده امپریالیسم است. بدون تهاجم جدی و قاطع به این پایگاه مهم ضد خلقی مبارزه با نفوذ امپریالیسم و حفظ دستاوردهای انقلاب ناممکن است. هر لحظه از دوام مناسبات نامیمون و استعمارگرانه این طبقات انگل فروکاستن از عمرا انقلاب است. دست افشانی فئودال -

بقیه: توطئه متوقف کردن...

چنانکه می‌دانیم در یک ماه اخیر مخصوصاً پس از حمله سیمانه، یعنی‌های صدامی به ایران، عوامل و ایادی بزرگ مالکان و فئودال‌ها پاسو - استفاده از موقعیت جنگ در همه جا به گردش در آمدند تا قانون مصوب شورای انقلاب

